



دکتر علی کرمی

پژوهشگر و تحلیل‌گر جامعه و سیاست آمریکایی
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

جامعه‌پذیری اسلحه

دلایل قوت فرهنگ اسلحه در آمریکا

بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های استفاده از سلاح در آمریکا

مرزها و مرزنشینی مردم و لزوم آمادگی برای دفاع از خود بوده که به ویژه در قرن نوزدهم و با گسترش مرزها به سمت غرب، بسیار پررنگ شده است. معروف‌ترین شخصیت ماجراجویی‌های مرزی نیز جیمز فنیمور کوپر بوده که این شخصیت، توسط پتی لیوکونن خلق شده؛ البته از این نویسنده، رمان‌های دیگری در این موضوع، مانند آخرین موهیکان (۱۸۲۶) و مسیر جنگ اول (۱۸۴۰)، نوشته شده است. آمریکا ۴۰ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود اما ۴۶ درصد از کل ۸۵۷ میلیون شهروند مسلح جهان را در خود، جای داده است. میزان حمل سلاح توسط شهروندان آمریکایی از مجموع ۲۵ کشور، بعد از این کشور بیشتر است. حجم حمل اسلحه توسط شهروندان آمریکایی، بیش از یک صد برابر ارتش این کشور و چهارصد برابر بیشتر از تعدادی

لزوم استفاده از سلاح برای شکار و محافظت در برابر حیوانات نیز در جامعه‌پذیری فرهنگ سلاح در این کشور مؤثر بوده‌اند. روح نظامی‌وار مردم آمریکا، ریشه در نیاز آن‌ها به اسلحه برای محافظت از خود، در برابر دشمنان خارجی و مجرمان داخلی دارد؛ زیرا در جامعه آمریکا، بقا در گرو توانایی حمل و استفاده از سلاح بوده است.

پیش از انقلاب، بودجه نظامی و ارتش رسمی برای ایجاد امنیت در این کشور وجود نداشت؛ بنابراین شهروند-سربازان مسلح، این مسئولیت را انجام می‌دادند. از قرن هیجدهم که ارتش، خدمت نظامی و سربازی به وجود آمد تا اواخر دهه ۱۹۷۰ که ارتش منظم شکل گرفت، باعث شد تا در ادامه و در قرن ۱۹، کمی از شدت فرهنگ شهروند نظامی کاسته شود. یکی دیگر از دلایل تاریخی قوت فرهنگ اسلحه در آمریکا، موضوع گسترش

فرهنگ اسلحه در آمریکا، دربرگیرنده رفتارها، نگرش‌ها و تلقی شهروندان نسبت به سلاح گرم و استفاده از آن است. مالکیت سلاح در این کشور، بیشتر از همه کشورهای دیگر بوده و به صورت قانونی، به وسیله اصلاحیه دوم قانون اساسی این کشور حمایت شده است. در میان جناح‌های سیاسی و احزاب نیز موضوع مالکیت اسلحه، باعث شکافی سیاسی در این کشور شده است زیرا محافظه‌کاران، مدافع آن هستند اما لیبرال‌ها، خواهان کنترل و محدودیت مالکیت اسلحه هستند. فرهنگ اسلحه در آمریکا، ریشه در جنگ استقلال، سنت شکار و زندگی نظامی گونه مردمان این کشور دارد. همچنین، قهرمانان این کشور از جمله جیمز مدیسون، در مقاله‌ای به نام فدرالیست شماره ۴۶، در سال ۱۷۸۸ مالکیت اسلحه را تشویق و تصدیق کرده‌اند. البته پیشینه زندگی کشاورزی، روستانشینی و

است که به حکم قانون در این کشور، اسلحه حمل می‌کنند.

بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، شهروندان آمریکایی، ۱۳۵ میلیون اسلحه خریداری کرده‌اند؛ یعنی ۲ میلیون بیش از مجموع انبارهای مهم ارتش-های جهان. در اواخر قرن نوزدهم، تصاویر گاوچران و غرب وحشی وارد تخیل جمعی مردم شدند و کم‌کم، ما شاهد ظهور هفت تیرکش‌های معروفی مانند آنی اوکلی به عنوان اولین زن هفت تیرکش، در این کشور هستیم؛ همچنین، الگوهایی از قهرمانان هفت تیرکشی به صورت گسترده‌تر توسط اوون ولیستر در داستان‌ها و رمان‌ها خلق شد، مانند ویزجینیابین (۱۹۰۲). گاوچران‌ها نیز در سینمای قرن بیستم به‌ویژه از طریق فیلم‌های کلاسیکی مانند سرقت بزرگ قطار (۱۹۰۲)، به شهرت رسیدند. فیلم‌های گانگستری نیز در اوایل دهه ۱۹۱۰ تولید شدند اما اوج شهرت آن‌ها در دهه ۱۹۲۰ و با پیدایش صداگذاری فیلم‌ها بود. این ژانر به وسیله وقایع دوران منع، مافیا و قتل و عام روز ولنتاین در سال ۱۹۲۹ و وجود گانگسترها در زندگی واقعی مردم مانند آل کاپون، همچنین ظهور و گسترش جنایات سازمان‌یافته و رشد دامنه خشونت شهری، تقویت شده است. هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، هالیوود فیلم‌های بسیاری را برای تقویت روحیه اخلاقی تولید کرد که حس

همراهی با اهداف ملی را تقویت می‌کرد. تصویر گاوچران‌های تنها در فیلم‌های این دوره، جای خود را به تلاش‌های گروهی و ارزش دادن به قربانی شدن افراد در راه اهداف بزرگ‌تر در قالب ساخت فیلم‌هایی که در آن، گروهی متشکل از اقوام مختلف دورهم جمع شده و دوشادوش هم در حال پیکار هستند، داده است.

در عرصه سیاسی و فرهنگی هم فرهنگ اسلحه، موضوع محوری بسیاری از بحث‌های سیاسی این کشور در دوره‌های زمانی مختلف بوده است. ریچارد هوفستاتر در مقاله خود به نام آمریکا به مثابه فرهنگ تفنگ، از اصطلاح فرهنگ تفنگ برای توصیف عشق دیرینه آمریکا به اسلحه، تکریم و بزرگداشت و میراث آن در این کشور، استفاده کرده است. در سال ۱۹۹۵، رابرت اسپیتزر گفت که فرهنگ اسلحه مدرن آمریکا بر سه پایه استوار گشته است؛ تکثیر سلاح‌های گرم از زمان استقلال، ارتباط میان مالکیت شخصی اسلحه با تاریخ انقلاب و تاریخ مرزهای این کشور و اسطوره فرهنگی مرتبط با جایگاه اسلحه در مرزها و زندگی مدرن. اخیراً در سال ۲۰۰۸، دیوان عالی آمریکا، تأکید کرده که حق بنیادی آزادی شهروندان برای داشتن اسلحه گرم در چارچوب اصلاحیه دوم قانون اساسی، تضمین شده است.

از سوی دیگر، بخشی از موضوع فرهنگ اسلحه در آمریکا، به جنگ لفظی طرفداران و مخالفان این فرهنگ برمی‌گردد؛ به عنوان مثال، اصطلاح آدم اسلحه برای اشاره به کسانی به کار می‌رود که عمیقاً با فرهنگ اسلحه عجین شده‌اند (Yun nut). این اصطلاح، دلالت بر تعصب، رفتار غیرطبیعی و تهدید امنیت دیگران توسط این افراد می‌کند. در مقابل، اصطلاح هوپلوفوبیا به نفرت بی دلیل و غیرمنطقی از اسلحه اشاره دارد که برای اشاره موافقان به مخالفان، به کار می‌رود. نظرسنجی‌های پاییز سال ۲۰۱۹، نشان می‌دهد که ۹۲ درصد از جمهوری خواهان و ۹۱ درصد از دموکرات‌ها، خواهان ممنوعیت خرید اسلحه برای شهروندان دارای بیماری روحی روانی هستند و همچنین، ۹۳ درصد دموکرات‌ها و ۸۲ درصد از جمهوری خواهان، معتقدند که باید پیشینه افراد خواهان خرید سلاح بررسی شود. همچنین، دموکرات بیشتر از جمهوری خواهان (۸۸ درصد در مقابل ۵۰ درصد)، به ممنوعیت سلاح‌های هجومی متمایل هستند و دموکرات‌ها بیشتر از جمهوری خواهان، به محدودیت خشاب‌های با ظرفیت بالا متمایل دارند (۸۷ درصد در مقابل ۵۴ درصد).